

بررسی توسعه‌ای نوع انگیزش گردشگری ناصر خسرو از دیدگاه نظریه کرامپتون

لیلا هاشمیان*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۶

فاطمه شه‌دوست**

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۷

چکیده

انسان‌های بزرگ چرا مقصد خاصی را برای گردشگری انتخاب می‌کنند؟ و در انتخاب خویش به دنبال تأمین چه نیازها و رسیدن به چه اهدافی می‌باشند؟ افراد و اشخاص تاثیرگذاری مانند ناصر خسرو که بر شعر و ادبیات و سفرنامه نویسی ایران تأثیری شگرف نهاده است، حتی سفر رفتن‌شان نیز می‌تواند برای دستیابی به اهدافی والا در راستای خدمت به انسان و انسانیت باشد و مطالعه سفرها جنبه‌های مختلفی از شخصیت و زندگی آنان و عصری که در آن زندگی می‌کردند را هرچه بهتر و بیش‌تر نمایان می‌کند. در این مقاله تلاش شده است پس از معرفی مختصر ناصر خسرو و گردشگری و پرداختن به نظریه کرامپتون و بیان معرفی هفت انگیزه‌ای که او برای گردشگری عنوان کرده است، شامل خودشناسی، استراحت، رهایی از محیط یکنواخت، پرستیز، بازگشت به عقب، تقویت روابط نزدیک و تسهیل ارتباطات اجتماعی می‌باشند؛ به تطبیق و یافتن مصادیقی برای هر عنوان و انگیزه در خصوص سفر هفت ساله ناصر خسرو پرداخته شود. **کلیدواژگان:** خودشناسی، پرستیز، تعامل، انگیزتگی روانی، تعادل.

مقدمه

«حکیم ناصر بن خسرو بن حارث القبادیانی البلخی المروری مکنی به ابومعین و ملقب به «حجت» در ماه ذی القعدة ۳۹۴ق در قبادیان از نواحی بلخ دیده به جهان گشود و پس از حدود ۸۷ سال زندگی پرفراز و نشیب در ناحیه یمکان از توابع بدخشان به سال ۴۸۱ق روی در نقاب خاک کشید و به سرای باقی شتافت و در جایی که بین اهالی بدخشان به «حضرت سید» معروف است، به خاک سپرده شد. وی شاعر، متکلم، فیلسوف، حکیم، جهانگرد و حجت خراسان بود» (قبادیانی، ۱۳۸۳: ۱).

برای اینکه بتوان به انگیزه‌های گردشگری ناصر خسرو از سفر هفت ساله‌اش پی برد، نخست باید معرفی مختصری از گردشگری و توریسم ارائه داد.

«از تمامی تعاریفی که در زمینه گردشگری توسط افرادی نظیر برکارت و مدلیک یا میدلتون ارائه شده، تعریف میل و موریسون جامع‌ترین و کامل‌ترین می‌باشد. این تعریف بر اهمیت فعالیت قبل - بعد از سفر همان‌گونه که در مقصد به وقوع می‌پیوندد، تأکید می‌ورزد» (لامزدن، ۱۳۸۷: ۴). با این تعریف جامع می‌توان به تمامی جنبه‌های سفر ناصر خسرو و اتفاقاتی که قبل، حین و بعد از سفر برای او روی داده است و در راستا و مربوط به سفر وی بوده است پرداخت.

«تعریف میل و موریسون: واژه گردشگری به فعالیتی اطلاق می‌شود که زمان سفر گردشگران به وقوع می‌پیوندد. این [واژه] دربر گیرنده همه چیز از قبیل برنامه ریزی سفر، مسافرت به مکان مورد نظر، اقامت در آنجا، بازگشت و یادآوری خاطرات سفر، بعد از بازگشت می‌باشد. همچنین شامل فعالیت‌هایی است که مسافر به عنوان بخشی از سفر انجام می‌دهد، نظیر خریدهای انجام شده و تعاملاتی که میان میزبان و مهمان به وجود می‌آید. خلاصه آنکه گردشگری تمامی فعالیت‌ها و تأثیراتی است که در طول سفر برای بازدید کننده، به وقوع می‌پیوندد» (همان).

هنگامی که صحبت از انگیزه و هدف در سفر پیش می‌آید به این نکته باید توجه نمود که فرد از وضعیت ایده آل خود فاصله گرفته یا نیازمند شناخت تفاوت‌هاست و یا به دنبال کسب کردن و بدست آوردن ره‌آورد جدیدی در سفر خویش است. چنانکه در تعریف انگیزه سفر آمده است: «انگیزه به صورت وضعیت درونی فرد تعریف شده که او را

به سمت برآورده کردن یک نیاز سوق می‌دهد و یک نیاز به صورت فقدان چیزی و یا تفاوت بین وضعیت ایده آل و واقعی فرد تعریف می‌شود» (دهشتی و فیاضی، ۱۳۹۰: ۹۶).

پیشینه تحقیق

در زمینه مطالعاتی که در خصوص نظریه روان‌شناسانه- جامعه‌شناسانه کرامپتون انجام شده است، می‌توان از مقالاتی مانند «مطالعه انگیزه‌های سفر در میان دو نسل جوان و بزرگسال (مطالعه موردی شهر شیراز)»، رضا جاروندی، نازفر فرقانی، ۱۳۸۸؛ و «شناسایی و تجزیه و تحلیل انگیزه‌های گردشگران خارجی جهت سفر به شهر اصفهان»، بهرام رنجبریان، محمد غفاری، علیرضا امامی، ۱۳۹۲؛ نام برد. اما پژوهشی در زمینه بررسی متون ادبی یا سفرنامه‌ها در ادب فارسی انجام نشده است.

نظریه کرامپتون

«کرامپتون (۱۹۷۹) از رویکردی روان‌شناسانه- جامعه‌شناسانه استفاده کرد تا به توصیف انگیزه‌های گردشگران برای گذراندن تعطیلات بپردازد. از دید او هفت عامل اصلی می‌تواند انگیزه سفر قلمداد شوند؛

- خودشناسی و ارزیابی خویشتن

- استراحت

- رهایی از محیط یکنواخت و کسل کننده

- پرستیژ

- بازگشت به عقب

- تقویت روابط نزدیک

- تسهیل ارتباطات تعامل اجتماعی

نکته اصلی و مهم در نظریه کرامپتون آن است که پیش از انجام سفر نوعی عدم تعادل در نیازهای فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی فرد وجود دارد و وظیفه تعطیلات بازگرداندن شرایط فرد به حالت تعادل و طبیعی آن است. از همین رو مطالعه نیازهای

روان‌شناختی فرد(از جمله خودشناسی، تعامل اجتماعی، انگیزتگی جنسی و هیجان) مقدم بر تأکید بر جاذبه‌ها و خصوصیات مقصد است»(رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۵۸).
 حال باید به بررسی و واکاوی تک تک این انگیزه‌ها و تطبیق آن‌ها با جریان زندگی و فکری ناصر خسرو، چه قبل از سفر چه در طول سفر و چه بعد از سفر پرداخت.

خودشناسی و ارزیابی خویشتن

هر فرد در طول حیات خویش بارها به این پرسش می‌رسد که کیست؟ از کجا آمده؟ هدف از خلقت او چه بوده است؟ و چه استعداد و توانایی‌های بالقوه و بالفعلی در وجود او به ودیعه نهاده شده است؟ حال باید گفت: «این یک واقعیت است که ساختار هویتی هر فرد از مذهب تأثیر می‌پذیرد. عقاید مذهبی، با معرفی هدف نهایی آفرینش و پاسخ به سوالات وجودی فرد، نقش چشمگیری در تشکیل هویت ایفا می‌کند. محققان بسیاری بر این موضوع صحه گذاشته‌اند که معنویت و مذهب به طور نزدیکی با هویت پیوند یافته‌اند»(برجلی، خسروی و پورشهریاری، ۱۳۹۲: ۹۸). اگر انسان خود را به درستی بشناسد می‌تواند به سلامت از پیچ و خم‌های زندگی خویش عبور کند. «مطالعات بسیاری، رابطه مثبت و معناداری میان احراز هویت و جهت‌گیری مذهبی را نشان داده‌اند»(همان: ۹۹). چنانچه خداوند در قرآن مجید فرموده است: «ما نشانه‌های آفاقی و انفسی عجائب آفرینش خداوند در جهان مادی و وجود انسان را به آن‌ها نشان می‌دهیم تا آشکار شود که او حق است»(فصلت / ۵۳). قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «در درون وجود شما آیات خداست، آیا نمی‌بینید؟»(ذاریات / ۲۱). همچنین در حدیث معروفی از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را خواهد شناخت»(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۹).

بنابراین آنجا که در خواب معروف ناصر خسرو آمده است: «شبی در خواب دیدم که یکی مرا گفتی: چندخواهی خوردن از این شراب که خرد از مردم زایل کند؟ اگر بهوش باشی بهتر»(قبادیانی، ۱۳۸۳: ۲). شاید منظور از بهوش بودن همان شناخت و رسیدن به آگاهی از خویشتن است و در پایان نیز خواب او را به سمت کعبه فرا می‌خواند(همان). یعنی رسیدن به این درک و هوشیاری را گرایش به مذهب می‌داند و ناصر خسرو نیز

جهانگردی مذهبی در پیش می‌گیرد. «از این روست که ناصر خسرو خوانندگان اشعار خویش را به بیداری از خواب «بیهوشی» و «خویشتن‌جویی» می‌خواند. این مخاطب اگرچه توسعه‌اً نوع بشر است، لیکن سخن به گونه‌ای است که بیش‌تر به خود شاعر راجع است، و تجرید (صنعت تجرید) و حدیث نفس و همچنین دریغ‌گفتنی است از گذشته خویش که در غفلت و بی‌خبری رفت» (گلرخ ماسوله، ۱۳۸۷: ۱۴).

ارزیابی خویشتن نیز در طول سفر و با تحمل مشقات آن به دست می‌آید. به قول معروف فرد درمی‌یابد که چند مرد حلاج است. «از نظر هادمن نیاز به خودشگفتگی بیانگر قاطعیت شخص و ارزش‌های معنوی است» (رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۶۴). تا آنجا که ناصر خسرو باید در طی سفر خویش «گرم و سرد بکشد و شیرین و تلخ بچشد، نرم و درشت بر تن هموار دارد، و تن در آسیای زمانه هرچه تنگ‌تر بساید بر جان از خطرها بلرزد و به جان زیبایی‌ها را شیفته شود، گاه به روزگاری دراز ناامیدی‌ها کشد و گاه به دمی نابیوسان امیدها یابد، تا از کوره روزگار زری زرده و سیمی سره و سوخته برآید. مردی شود کامل با خردی تمام و دمی گرم، کارافزاده، و کاردان» (قبادیانی، ۱۳۷۰: ۸).

استراحت

انگیزه استراحت برای هر گردشگری می‌تواند جایگاه خاص خودش را داشته باشد؛ استراحت و فراغت‌جویی از فعالیت‌های روزمره زندگی، مسئولیت‌ها و فشارهای شغلی یا خانوادگی و هرچه که ذهن و روح و یا جسم فرد را خسته و فرسوده کرده باشد. اما می‌دانیم که به انگیزه استراحت کردن به سفر رفتن شاید برای زمان حال و امکانات عصر جدید مناسب باشد، نه برای مسافرت در گذشته‌های دور و خاصه قرن پنجم هجری که دوران زندگی و سفر هفت‌ساله ناصر خسرو می‌باشد. مشکلاتی از قبیل راه‌زنان، دوری مقصد، وسایل حمل و نقل بدوی چون اسب و شتر و قاطر، بی‌پولی که معمولاً در طی سفرهای طولانی گردشگر را درگیر می‌کند و ... همان‌طور که خود ناصر خسرو در خلال سفرنامه خویش بارها به این مشکلات و مشقات اشاره کرده است و در آغاز قصیده نیز به این مضمون اشاره نموده است که از خوشی‌ها و آسایش مادی دوری گزیده و سفر پر از سختی را در پیش گرفتم.

برخاستم از جای و سفر پیش گرفتم
از سنگ بسی ساخته ام بستر و بالین
گاهی به زمینی که درو آب چو مرمر
گه دریا، گه بالا، گه رفتن بی راه
گه حبل به گردن بر، مانند شتربان
نز خانهم یاد آمد و نز گلشن و منظر
و از ابر بسی ساخته ام خیمه و چادر
گاهی به جهانی که درو خاک چو اخگر
گه کوه و گهی ریگ و گهی جوی و گهی جر
گه بار به پشت اندر، مانده استر
(قبادیانی، ۱۳۷۰: ۱۴)

پس می‌توان اینطور نتیجه گرفت که این انگیزه برای ناصر خسرو کم‌رنگ‌تر از سایر انگیزه‌ها بوده است و بیش‌تر از آنکه استراحت فیزیکی و جسمانی را در بر گیرد، شامل استراحت روحی و ذهنی بوده که در اثر فشارهای حکومت و ... می‌توانسته بر وی وارد شده باشد و یا شاید بتوان گفت: فقط در زمینه استراحت و فراغت جویی از شغل دبیری و دیوانی صدق می‌کند. «پس به مرو رفتم و از آن شغل که به عهده من بود معاف خواستم و گفتم که مرا عزم سفر قبله است. پس حسابی که بود جواب گفتم و از دنیایی آنچه بود ترک کردم الا اندک ضروری» (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

رهایی از محیط یکنواخت و کسل کننده

«یکجا نشینی و سکون اسباب انحطاط، آلودگی و فساد دانسته شده‌اند و درست از همین رو است که سفر کردن به عنوان ابزاری برای سلامت جسم و روان معرفی می‌شود. رسول اکرم (ص) در این خصوص می‌فرمایند» (رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۱۱۹)؛ «مسافرت کنید تا سلامت بمانید» (محلای، ۱۳۸۰: ۵۳). و در حدیث دیگری از ایشان آمده است که؛ «هرگاه زندگی بر شما تنگ آید و دچار افسردگی خاطر شوید، سفر کنید و در جست‌وجوی احسان خدا و نعمت‌های او برآیید و مبادا که بر نفس خود و زن و فرزندان‌تان سخت گیرید» (همان: ۵۲). این کسالت و یکنواختی در هر زمینه‌ای می‌تواند باشد، از جسمی و فیزیکی گرفته تا اعتقادی و فکری و عادات زندگی. از این منظر تنگنای رکورد برای ناصر خسرو هم جسمانی است و هم فکری و اعتقادی. چنانکه در خواب معروفش به او خطاب می‌شود: «چند خواهی خوردن از این شراب که خرد از مردم زایل کند؟» (قبادیانی، ۱۳۸۳: ۲). که اشاره به کاری یکنواخت و تکراری دارد و شاعر

را از یکجا نشینی و کاری باطل و بیهوده نهی می‌کند و در ادامه خواب در پاسخ ناصر خسرو که جویای راه چاره شده است، او را به افزایش خرد و هوش فرا می‌خواند و می‌گوید: «جوینده یابنده باشد. و پس سوی قبله اشارت کرد» (همان). در واقع او را به چالش سفر و همچون آب رود جاری بدون و هر آینه تازگی و طراوت جوییدن فرا می‌خواند. درباره بعد فکری و اعتقادی نیز همین گفته بالا صادق است. به علاوه اینکه بدانیم «تفتیش عقاید حاکم بر دربار سلجوقیان که میراث حکومت غزنویان بود امکان تحرکات و فعالیت‌های اعتقادی را از هر شخص و گروهی سلب می‌کرد، به خصوص که ایشان هنوز تا حد زیادی زیر نفوذ عباسیان بودند و عباسیان سنی مذهب، خلافت شیعی مصر را رقیب بلا معارض خود می‌دیدند» (گلرخ ماسوله، ۱۳۸۷: ۱۵). در چنین شرایط و محیط خفقان‌آوری که امکان مباحثه و افزایش علم و آگاهی و تفحص در علوم مذهبی وجود ندارد، ناصر خسرو باید به دانش و آگاهی‌های خویش در دوران جوانی و تا آن زمان بسنده کند و از این رو از لحاظ مذهبی و اعتقادی نیز دانسته‌هایش در رکود و سکون قرار گیرد. اما «سرانجام ذهن وقاد و خاطر تیز او به اصول عقلی و نقلی روزگار خود که اذهان متوسط را تسکین می‌داد، قناعت نکرده» (قبادیانی، ۱۳۸۳: ۱). و راه حج در پیش می‌گیرد که در طی این سفر هفت ساله به مصر که مرکز خلافت فاطمیان است رفته و «سعی می‌کرد در ورای الفاظ و ظواهر نفوذ کند و چیزی بیش‌تر از فهم عوام جوید، چراکه ظواهر شریعت را سخت حقیر و بی اعتبار می‌یافت و در ورای آن ظواهر چیزی دیگری می‌جست، در این شرایط حکمت و شیوه اندیشه اهل باطن روح ناآرام او را آرام می‌بخشید» (زرین کوب، ۱۳۴۳: ۶۳).

جوای خرد گشت مرا نفس سخنور
پیموده شد از گنبد بر من چهل و دو
(ناصر خسرو، ۱۳۶۵: ۵۰۹)

پرستیژ

«انگیزه‌ای که جایگاه و پرستیژ فرد را مد نظر داده است، تقویت و توسعه شخصی را از طریق آموزش و کسب اطلاع جست‌وجو می‌کند» (رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۶۲). «در پی مرگ مسعود غزنوی، روی کار آمدن محمد و افول دولت غزنوی و گسترش قدرت

سلجوقیان، ناصر به خدمت / امیر سلجوقی در می آید؛ اما گویا خان سلجوقی آنطور که شاعر انتظار داشته با او برخورد نمی کند» (دشتی، ۱۳۶۲: ۱۶۶). «ناصر نه تنها حسن استقبالی نمی بیند، بلکه با نوعی بی اعتنایی و تحقیر روبه رو می شود» (همان: ۵۹). «روح شاعر تحت تأثیر بی اعتنایی های امیر سلجوقی چغری بیک، آزرده گشته و این آزرده گری او را به تفکر وا می دارد. این امر نقطه عطفی است در تحول فکری ناصر» (همان: ۱۶۸).

حتی ناصر خسرو در خواب معروف خود نیز به آن فرد که از او می پرسد: «چند خواهی خوردن از این شراب» پاسخ می دهد: «حکما جز این چیزی نتوانستند ساخت که اندوه دنیا کم کند» (قبادیانی، ۱۳۸۳: ۲)، می توان اندوه و آزرده گری روحی که شاعر به آن مبتلا است را به وضوح دریافت. بنابراین شاعری چون ناصر خسرو که در دربار غزنویان به خصوص مسعود غزنوی از عزت و احترام برخوردار بوده است، می خواهد به نوعی اعاده حیثت نماید و هجرت و سفر می تواند بهترین راهگشا در این تنگنا برای او قلمداد شود؛ سفری به سوی علم و افزایش آگاهی ها و بدست آوردن جایگاه و شخصیتی والا در اجتماع از این رهگذر.

«آنطور که ناصر خسرو می گوید بعد از سفر مصر و آشنا شدن با فاطمیان علم او بسیار فزونی گرفته به طوری که بعدها اطلاعات علمی دوره نخست زندگی خود را در مقایسه با آنچه نزد فاطمیان فرا گرفته بسیار ناچیز ارزیابی می کند» (اسعدی، ۱۳۸۵: ۴):

کنون زان فزونم به هر فضل و علم
که طبعم روان است و خاطر منیر
از این قدر کامروز دارم به علم
نبوده ستم آن روز عشر عشیر
(دیوان ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۴۰۱)

اما یکی دیگر از مواردی که به نوعی ره آورد و سوغات سفر است و نقش چشمگیری را در اعتلای جایگاه اجتماعی ناصر خسرو ایفا کرده و جز تجربه گردشگری بعد از سفر محسوب می شود، خود سفرنامه ای است که وی از خاطرات، رویدادها و مناطقی که مورد بازدید قرار داده به رشته تحریر در آورده است. «در این چارچوب / یزوا هولا مدلی با عنوان فرار و جست و جو معرفی می کند. در مدل وی فرد ممکن است به دنبال گریز از مسائل و مشکلات شخصی باشد، در حالی که تمجید و قدردانی دیگران را جست و جو می کند» (رنجریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۶۲).

همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم ناصر خسرو در دوران سلجوقیان موردی بی‌مهری و تحقیر این خاندان قرار گرفت و آن جایگاه گذشته خود را در زمان غزنویان از دست داد و دچار رنج و افسردگی شد تا آنجا که به شرابخواری مدام روی آورد؛ می‌توان این‌طور نتیجه گرفت: خوابی که ناصر خسرو را به رفتن به سوی خانه خدا ترغیب نموده است در واقع نوعی بهانه برای گریز از سلجوقیان به دست وی داده است و «شخصی که تمجید دیگران را جست‌وجو می‌کند، دیدار از اماکن و مقاصد جدید و گفت‌وگو درباره تجربه خود با دیگران را مورد توجه قرار می‌دهد» (همان). و این امر نیز در سفرنامه ناصر خسرو تجلی یافته است.

بازگشت به عقب

در تعریف گردشگری نوستالژیک می‌خوانیم: «خاطرات و تجارب ایام گذشته عنصری برانگیزنده برای سفر به مقاصدی است که فرد پیش‌تر در آن حضور داشته و به نوعی با ذهن و شخصیت او پیوند خورده است. سفر مجدد به چنین سرزمین‌هایی زنده کننده آن یادها و گاه تسکین دهنده آلام انسان است» (رنجبریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۷۰). اما شاید نیازی نباشد که فرد قبلاً به آن مناطق سفر کرده باشد بلکه اگر احساس و خاطرات گذشته برایش زنده و تداعی شود نیز برای نوستالژیک بودن سفر کافی است. چنانچه در «گونه‌شناسی عوامل انگیزشی در گردشگری» نوستالژی یا همان بازگشت به عقب، در رده «انگیزه‌های احساسی» دسته بندی می‌شود (Swarbrooke, Horner, 2005: 54).

پس می‌توان این‌طور نتیجه گرفت، هر حسی که فرد را به گذشته پیوند بزند و تداعی کننده خاطرات گذشته باشد و تجارب پیشین را برایش زنده کند و هر سفری که با این انگیزه صورت گیرد و با یکی از انگیزه‌های این امر باشد و بودن در مکانی یا برخورد با مردمانی باعث این احساس شود، می‌تواند جزو مصادیق گردشگری نوستالژیک محسوب شود. آنجا که ناصر خسرو در سفرنامه به توصیف دربار سلاطین، خلق و خوی پادشاهان و جشن‌ها و مراسم خاص سلطانی می‌پردازد مانند توصیف «فتح خلیج» و یا دربار سلاطین مصر به نوعی برای وی بازگشت به عقب محسوب می‌شود زیرا به گفته خودش به یاد شوکت و جلال دربار غزنویان، خاصه سلطان محمود و مسعود غزنوی

می‌افتد و آن‌ها را با آداب و رسوم و حشمتی که در دربار سلاطین غزنوی دیده است، مقایسه می‌کند: «با یکی از دبیران سلطان که مرا با او صحبتی اتفاق افتاده بود و دوستی پدیده آمده گفتم من بارگاه ملکوت و سلاطین عجم دیده‌ام چون سلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود. ایشان پادشاهان بوند با نعمت و تجمل بسیار. اکنون می‌خواهم که مجلس امیرالمؤمنین را هم ببینم» (ناصر خسرو، ۱۳۸۲: ۱۷۵).

تسهیل ارتباطات تعامل اجتماعی

گفته شد که سلجوقیان آن‌طور که در خور ناصر خسرو و جایگاه وی در جامعه بود به او بها نمی‌دادند و همین‌طور به این موضوع پرداخته شد که در دوران سلجوقیان نوعی خفقان مذهبی در جامعه حکمفرما بود و عالمان دین نمی‌توانستند به راحتی به اشاعه عقاید خلاف دربار سلجوقی بپردازند و به نوعی تعامل اجتماعی در راستای ترویج فکر مایه‌های اعتقادی خویش داشته باشند. در نتیجه ممکن است نوعی خمودگی و تنهایی روحی به سراغ ناصر خسرو آمده باشد که او را به شراب‌خواری و عیش و نوش و اعمال بیپهوده کشانیده است. از این رو شاعر «از راه مسامحه و در نتیجه معاشرت با یاران به باده‌گساری روی آورده است» (دشتی، ۱۳۶۲: ۱۶۳). تا به نوعی جبران کمبود این تعاملات اجتماعی سازنده باشد. از منظری دیگر آن‌طور که از اشعار خود ناصر خسرو برمی‌آید گاه گذاری مردم از وی دوری و حذر می‌جستند:

یکی چند پیشگاه، همی دیدی در مجلس ملوک و سلاطینم
آزرده این و آن به حذر ازمن گفتمی مگر نژاده تینم
(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۱۳۵)

حال باید به نقش سفر در تسهیل ارتباطات تعامل اجتماعی اشاره کرد. همه انسان‌ها نیازمند شناخت تفاوت‌ها می‌باشند. تفاوت جغرافیایی، تفاوت آداب و رسوم، تفاوت خلق و خو، تفاوت مذهبی و ...؛ سفر یکی از بهترین و مؤثرترین راه‌هایی است که مردمان را با جهان پیرامونشان آشنا می‌کند و با قرار دادن آن‌ها در متن سایر جوامع و نقاط کره زمین، باعث می‌شود که آن‌ها به صورتی ملموس و عینی این تفاوت‌ها را درک کنند. انسان نیز کلاً موجودی اجتماعی است که با قرار گرفتن در کنار سایر افراد جامعه خود و

جوامع بیگانه، یاد می‌گیرد، می‌بالد و به بلوغ اجتماعی که لازمه موفقیت در زندگی است، می‌رسد. از دیرباز شاعران بسیاری همچون مولوی، سعدی و... گزینه سفر را برای پرمعنی‌تر شدن اشعارشان و آوردن تجارب گوناگون در آن برگزیده‌اند و ناصر خسرو نیز شاعری است که تقلید نمی‌پذیرد و به دنبال کشف حقایق است، پس روی به سفر می‌آورد. در این رابطه یعنی تسهیل ارتباطات تعامل اجتماعی، انگیزه سفر می‌تواند شامل «ملاقات با افراد جدید و متفاوت» باشد و همچنین «وجود فرهنگ و قومیت‌های منحصربه‌فرد» (رنجیریان و زاهدی، ۱۳۸۸: ۵۶) که بر این خواسته دامن بزند. وجود مناطق و شهرهایی که ناصر خسرو آن‌ها را برای اولین بار دیده است و افراد جدیدی که با آن‌ها تعامل اجتماعی برقرار کرده و آداب و رسوم و قومیت‌هایی که دارای فرهنگی کاملاً متفاوت و خاص هستند شاهد این مدعاست. گردشگری که بتواند خود را با این افراد و قومیت‌ها تطبیق بدهد و فرهنگ متفاوت شان را درک کند و بتواند با آن‌ها رابطه خوب و دوستانه برقرار کند و آن‌ها را همان‌طور که هستند بپذیرد و به دیده احترام به آن‌ها بنگرد، آنگاه فردی می‌شود که تعاملات اجتماعی‌اش تسهیل پیدا می‌کند. لاجرم هر گردشگری، خاصه ادیب و فاضلی چون ناصر خسرو یکی از اهداف و انگیزه‌های سفرش تعامل نزدیک و آشنایی با مردمان جدید با فرهنگ‌های متفاوت است. تا از این راه منافع بسیاری کسب نماید. ناصر خسرو می‌خواهد با افرادی که مذاهب گوناگون دارند نیز آشنا گردد تا در نهایت آن راه رستگاری و مذهب راستین که او را به آرامش واقعی برساند و همچنین پیشوا و مرادی دینی که درمان آلام روحی او باشد، را بیابد که این خود لازمه‌اش برقراری رابطه و تعامل اجتماعی با افراد گوناگون در طی سفر می‌باشد.

پرسنده همی رفتم از این شهر بدان شهر

جوینده همی گشتم از این بحر بدان بر

(قبادیانی، ۱۳۷۰: ۱۴)

نتیجه بحث

به اجمال باید گفت انگیزه‌های گردشگری ناصر خسرو از سفر هفت ساله‌اش با توجه به نظریه روان‌شناسانه - جامعه‌شناسانه کرامپتون شامل خودشناسی و ارزیابی خویشتن،

استراحت، رهایی از محیط یکنواخت و کسل کننده، پرستیز، بازگشت به عقب و تسهیل ارتباطات تعامل اجتماعی می‌باشد که بعضی از این انگیزه‌ها بیش‌تر و بعضی دیگر کم‌تر در آغاز این سفر دخیل بوده‌اند. البته می‌توان با بررسی دقیق‌تر و موشکفانه‌تر و تطبیق با انگیزه‌هایی که سایر نظریه‌پردازان توریسم و گردشگری ارائه داده‌اند، نظیر افرادی چون اشمیت هاوزر، آبراهام مازلو، مکینتاش و گلندر و... بیش‌تر به دلایل و انگیزه‌های ناصر خسرو از این سفر پی برد.



کتابنامه

قرآن کریم.

دشتی، علی. ۱۳۶۲ش، **تصویری از ناصر خسرو**، به کوشش مهدی ماحوزی، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.

دهدشتی، شاهرخ و مرتضی فیاضی. ۱۳۹۰ش، **مدیریت بازاریابی در صنعت گردشگری**، تهران: انتشارات مهکامه.

رنجبریان، بهرام و محمد زاهدی. ۱۳۸۸ش، **شناخت گردشگری**، چاپ ششم، اصفهان: نشر چهار باغ. زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۴۳ش، **با کاروان حله**، تهران: انتشارات آریا.

طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمدباقر موسوی، جلد ششم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

قبادیانی، ناصر خسرو. ۱۳۶۵ش، **دیوان ناصر خسرو**، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

قبادیانی، ناصر خسرو. ۱۳۷۰ش، **دیوان اشعار**، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قبادیانی، ناصر خسرو. بی تا، **ره آورد سفر؛ گزیده سفرنامه ناصر خسرو**، تصحیح و توضیح محمد دبیرسیاقی، چاپ نخست، تهران: انتشارات سخن.

قبادیانی، ناصر خسرو. ۱۳۸۲ش، **سفرنامه ناصر خسرو**، به قلم آلیس سی. هانسبرگر، به اهتمام محسن خادم، چاپ نخست، تهران: انتشارات ققنوس.

قبادیانی، ناصر خسرو. ۱۳۸۳ش، **شرح دیوان اشعار حکیم ناصر خسرو قبادیانی**، به کوشش محمد حسین محمدی و محمدرضا برزگرخالقی، چاپ نخست، جلد اول، تهران: انتشارات زوآر.

لامزدن، لس. ۱۳۸۷ش، **بازاریابی گردشگری**، ترجمه ابوالفضل تاج زاده نمین، چاپ نخست، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

محلای، صلاح الدین. ۱۳۸۰ش، **درآمدی بر جهانگردی**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

کتب لاتین

Midwest, Miracle. (2014) **MRPA Conference & Trade show**, Grand Traverse Resort & Spa Acm, Michigan.

Swarbrooke, John and Susan Horner. (2005) **Consumer Behavior in Tourism**, Elsevier.

Witt, Peter. (2011) **Pugsley Medal Citation**, National Park Foundation American Academy of park and Recreation Administration, joint Sponsors of the Pugsley Medals.

مقالات

- اسعدی، مریم السادات. ۱۳۸۵ش، **سیمای ناصر خسرو پیش از تحول روحی**، مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال چهارم، شماره ۶، صص ۵-۱۸.
- برجعی، زهرا و زهره خسروی و مه سیما پور شهریاری. ۱۳۹۲ش، «نقش جهت‌گیری مذهبی در ساختار هویت فردی»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، سال ششم، شماره ۳ (پیاپی ۲۳)، صص ۹۷-۱۰۸.
- گلرخ ماسوله، اسماعیل. ۱۳۸۷ش، «سفر هفت ساله ناصر خسرو، هجرتی فکری و اعتقادی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۴ (پیاپی ۱۲۸)، صص ۱۱-۲۲.

Bibliography

Books

Holy Quran.

- Dashti, Ali (1362) **A picture of Nasir Khosrow**, in an effort by Mehdi Mahoozi, Tehran: Javidan Publishing Organization.
- Dehdashti, Shahrokh and Morteza Fayazi (2011) **Marketing Management in the Tourism Industry**, Tehran: Mahkame Publications
- Ranjbarian, Bahram and Mohammad Zahedi (2009) **Tourism Recognition**, Isfahan: Chaharbagh Publishing, Sixth Edition.
- Zarrin Kobb, Abdolhossein (1343), **with caravan of Holle**, Tehran: Arya Publishing.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (1374) **Tafsir al-Mizan**, translation by Mohammad Baqir Musavi, Qom: Islamic Printing Office, Volume I.
- Ghobadiyani, Naser Khosrow (1365) **Nasir Khosrow's Court**, Correction of Mojtaba Minavi and Mehdi Mohaqiq, Tehran: Tehran University, Second Edition.
- Ghobadiyani, Naser Khosrow (1370) **Divan of Poems**, Correction of Mojtaba Minavi and Mehdi Mohaghegh, Tehran: Tehran University Press.
- Ghobadiyani, Naser Khosrow **Traveling - Selection of Nasir Khosrow's Travelbook**, Correction and Explanation of Mohammad Dehir Siaqi, Tehran: Sokhan Publishing, Printing First
- Ghobadiyani, Naser Khosrow (1382) **Nasir Khosrow's Travelbook**, by Alice C. Hansburger, by Mohsen Khadem, Tehran: Phoenix Publishing, First Edition.
- Ghobadiyani, Naser Khosrow (1383) **The description of the poem of Hakim Nasir Khosrow Ghobadiyani**, by the efforts of Mohammad Hussein Mohammadi and Mohammad Reza Barzegorkhalaghi, Tehran: Zavar Publication, First Edition, Vol. 1.
- Lamzdani, Los (1387) **Tourism Marketing**, translation by Abolfazl Tajzadeh Namin, Tehran: Dissemination of Payame Noor University, First Printing.
- Mahallati, Salah al-Din (1380), **Introduction to Tourism**, Tehran University of Technology: Shahid Beheshti University.

B. Publications

- Asadi, Maryam Sadat (2006) **Nasir Khosrow's Sight Before the Spiritual Transformation**, Persian Language and Literature, Sistan and Baluchestan University, Year 4, No. 6, pp. 5-18.
- Birjani, Zahra, Zohreh Khosravi and Mama Sima Pour Shahriari (1392) **The Role of Religious Orientation in Individual Identity Structure**, Journal of Psychology and Religion, Vol. 6, No. 3 (23rd ed.), Pp. 97-108.

Golkh Masouleh, Ismail (2008) **Nahir Khosrow's Cauferat, An Immigration and Belief**, Journal of the Literature, No. 14 (128 pp.), Pp. 11-22.

Midwest, Miracle (2014) **MRPA Conference & Trade show**, Grand Traverse Resort & Spa Acm, Michigan.

Swarbrooke, john and Susan Horner (2005) **Consumer Behavior in Tourism**, Elsevier.

Witt, Peter (2011) **Pugsley Medal Citation**, National Park Foundation American Academy of park and Recreation Administration, joint Sponsors of the Pugsley Medals.

